

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ می ۲۰۲۳

"گال را می خورد گنجشک، لت را بودنه*"

جمعه - ۲۹ ثور ۱۴۰۲ - کابل: وقتی امروز در خبر ها خواندم که "حشمت غنی احمدزی" برادر "اشرف غنی احمدزی" رئیس جمهور گریختگی و بگیل در حاکمیت پوشالی، شکایت دارد که گویا طالب می خواهد بناحق وی را متهم به "شرب خمر" و به زبان ساده شراب نوشی نماید و خواستار آن شده تا یک هیأت بین المللی بیطرف با آزمایش خون وی، بیگناهی اش را به اثبات برساند، نخستین مفهومی که به ذهنم خطور نمود، همین ضرب المثل "گاله میخوره گنجشگ، لته میخوره بودنه" بود.

این ضرب المثل که به مانند اکثر ضرب المثل های مروج در کشور، عصاره و فشرده تجاربست که توده های میلیونی کشور در طی صد ها و هزاران سال زندگانی باهمی، جمع آوری نموده اند، زمانی به کار برده می شود که به علت گناه یک انسان، انسان دیگری را مجازات نمایند. به نظر من آنچه در این میان مهم است واضح شود این است که چرا چنین است و خلاف عقل، منطق و شرع یک فرد به خاطر فرد دیگری مجازات می شود و آنچه را حافظ شیرازی در زمانش گفته است، نفی می نمایند:

"عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دیگران بر تو نخواهند نوشت"

تا جایی که دیده می شود، این روش ناپسند و ضد انسانی و ضد اسلامی، عمدتاً دارای دو عامل می باشد: عامل اجتماعی و عامل فردی.

تا جایی که به عامل اجتماعی تعلق می گیرد، منبع این طرز دید و قضاوت، تقابل هویت قومی و هویت فردی در جامعه ماست. جامعه ما به مثابه یک جامعه سنتی عقبمانده از گذشته های دور بدین سو، در مورد اقوام، طایفه ها، مذاهب، باشندگان مناطق مختلف، یک دسته پیش قضاوتی هائی به مثابه "کودشناسی" این و یا آن قوم، مذهب، منطقه و زبان ساخته است. زمانی که با فردی مواجه می گردد به جای آن که عملکرد، کردار، رفتار و طرز دید خود فرد را در نظر گرفته راجع به شخصیت فرد قضاوت نماید، وی را خوب بگوید و یا بد، صادق معرفی دارد و یا کاذب، امانت دار معرفی دارد و یا خاین، به کود های میراثی برجای مانده از اعصار مراجعه نموده، در مورد فرد حکم صادر می نماید. با تأسف این پدیده زشت هر چند در تمام ولایات وجود دارد، مگر در ولایت کابل بیشتر از سایر نقاط کشور خود را نشان می دهد از همین جاست که برای برخی از باشندگان کابل، باشندگان یک قسمت کشور "خام کله"، باشندگان قسمت

های دیگر "دزد"، "بچه باز"، "جاسوس مشرب"، "بی وفا"، "چراغ کش" و ... چنان به حساب می آیند تو گوئی فرد فرد باشندگان آن منطقه بعد از ده ها بار آزمون شخصیتی خود را چنین تثبیت نموده اند.

و اما به حساب عامل شخصی زمانی خود را نشان می دهد که یا فرد خود آگاهانه به جای این که با هویت شخص خودش وارد حیات اجتماعی شود با هویت قومی، مذهبی، زبانی، منطقه ئی و ... وارد می شود و یا این که وقتی یک تن از اقوام و اقاربش به مقام و منصبی رسید، به یک باره تمام اختلافات شخصی اش را با فرد فراموش نموده، با نادیده گرفتن و زیر پای نمودن هویت فرد خودش، با هزار من سرش خود را به فرد مورد نظر می چسپاند و با انجام چنان کاری در عمل بر آن "کودشناسانی" صحنه می گذارد.

هرگاه از بحث کلی بگذریم و بیائیم در مورد خاص "حشمت غنی احمدزی"، می بینیم که نامبرده هرچند تا قبل از این که تاج بردگی را امپریالیسم امریکا و شرکاء بر سر برادرش "اشرف غنی احمدزی" بگذارند با برادر اختلافات جدی حتا تا سرحد "الت وکوب" متقابل داشتند و به همین اساس وقتی "اشرف غنی احمدزی" برای نخستین بار خود را کاندید نمود، "حشمت غنی احمدزی" روی همان لجبازی ها و جدال های درون خانوادگی در رقابت با وی خود را کاندید نمود، مگر وقتی تاج بردگی استعمار بر سر "اشرف غنی احمدزی" گذاشته شد، همه شاهد بودیم که "حشمت غنی احمدزی" اختلافاتش را با برادرش فراموش نموده، شروع کرد به دُم برادر شدن.

این مناسبات نه تنها در طی ۶ سال حاکمیت "اشرف غنی احمدزی" دوام داشت، بلکه بعد از فرار مفتضحانه "اشرف غنی احمدزی" باز هم شاهدیم که "حشمت" به امارات رفته، ضمن آن که سخنانی چند از جانب برادرش به آدرس طالب آورد و آمادگی وی را در کمک به طالب ابراز داشت، وکالت خط شرعی نیز از جانب "اشرف غنی احمدزی" آورد تا حق تصرف در اموال وی را داشته باشد.

در چنین حالتی که شخص آگاهانه هویت فردی خودش را فدای هویت خانوادگی می نماید دیگر آن بونده ای نیست که بی خبر از عملکرد گنجشک باید حساب پس دهد، بلکه بونده ایست که در خوردن گال با گنجشک شریک بوده و اکنون باید حسابش را نیز پس دهد.

و اما این که طالب می آید و می خواهد بروی اتهام "شرب خمر" بزند، سؤالی که پیدا می شود این است: اگر واقعاً شراب نخورده است از کجا می داند که به اساس آن ویدیو بر وی چنین اتهامی زده می شود؟ چرا پای اتهام دیگری در میان نیست؟

هموطنان گرامی!

اصل قضیه این است که "اشرف غنی احمدزی" با جناح "شبهه حقانی" طالب در آستانه و حین انتقال قدرت به آنها توافقهائی با هم داشتند که اینک می خواهند از انجام آن شانه خالی کنند. اختلاف کنونی "حشمت غنی احمدزی" با نظام ملاسالار- اگر واقعاً اختلافی در بین باشد و کدام هدف دیگری در بین نباشد- روی همان توافقات و اجرای آن است و نه ربطی به مردم دارد و نه هم به "شرب خمر". به نظر من جای دارد ضرب المثل اولی را با ضرب المثل "پوست خر می داند و دندان سگ" تکمیل نمائیم.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

*** - این ضرب المثل را به زبان گویش چنین شنیده ام: "گاله میخوره گنجشگ، لته میخوره بونده"**